

Gunbad-i Jabaliyeh in Kirman; a Re-examination and Valuating

Alireza Anisi

Associate Professor, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/05/17;

Accepted: 2021/06/15;

Published Online 2021/07/26

 10.30699/athar.42.1.2

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Alireza Anisi

Associate Professor, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Email:

Anisi61@yahoo.co.uk

ABSTRACT

Kirman is an old and historic city, which embraces several of prominent monuments, especially in the south-east region of Iran. One of them is a domed building that is known locally as, "Gunbad-i Jabaliyeh or Jabal-i Sang", located to the east of Kirman City, adjacent to Sahib Zaman mountain. Owing to octagonal form and its stone material of construction, which is rare in this area, it drew attention of any curious scholar and visitor. These varieties alongside with its specific ratio, has made it an attractive and partially mysterious building; also, its background and function are mainly unknown to the public. Hitherto, many papers have been published on history and architecture of this monument, however through re-examining its architectural features, this study tried to firstly explain its main characteristics, and to shed light on its original function. Secondly, reviewing all facts and materials, suggest a new date for its construction. Thirdly, owing to the structural feature of the building such as, thick walls, the ratio of the inner diameter of building to the height of it and the form of construction, gauge the original dome of the building as a double shell one. In addition, this study aims to assess and re-evaluate its role and impacts on formatting the octagonal monuments, as a new type in the funeral architecture of Iran. This study has been carried out by a descriptive – analytic method, field work and applying a comparative study. The findings of the research show that firstly, the monument was built as a commemorative structure with funerary function. Secondly, the date of its construction probably goes back to the late years of the 4/10 century. Thirdly, the octagonal form of the building and its exterior features has been an inspiration for constructing other octagonal and polygonal mausoleums in the architectural history of Iran.

Keywords: Gunbad, Octagon, Architecture, Jabaliyeh, Mausoleum, Kirman

Copyright © 2021. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Anisi, A. (2021). Gunbad-i Jabaliyeh in Kirman; a Re-examination and Valuating. *Athar*, 42(1), 2-16. Retrieved from <http://athar.richt.ir/article-2-816-fa.html>

مقاله پژوهشی

گنبد جبلیه در کرمان؛ بررسی و ارزیابی مجدد

علیرضا انیسی

۱. دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴	<p>کرمان یکی از شهرهای کهن و تاریخی ایران است که میراث‌دار بخشی از آثار مهم و برجسته معماری، به‌ویژه در منطقه جنوب شرقی ایران است. از میان آنها بنای گنبددار موسوم به «گنبد جبلیه یا جیل‌سنگ»، در قسمت شرقی شهر در کنار کوه صاحب‌الزمان، دلیل ویژگی‌های خاص خود، نظیر شکل و فرم هشت‌ضلعی و استفاده از سنگ همواره مورد توجه محققان بوده است. به‌علاوه، ابعاد و تناسبات خاص آن همواره این بنا را تبدیل به اثری شاخص کرده، به‌ویژه اینکه پیشینه و کارکرد آن در نزد پژوهشگران نیز دارای ابهام بوده است. تاکنون مطالب مختلفی در مورد تاریخ و معماری گنبد جبلیه منتشر شده، ولی در این مطالعه اولاً با بررسی مجدد معماری این بنا، ویژگی‌های خاص آن تشریح و عملکرد اصلی آن روشن شده است. ثانیاً با بازنگری همه شواهد و اطلاعات تاریخی، نظرات قبلی درباره تاریخ ساخت آن مورد مذاقه قرار گرفته و محدوده زمانی جدیدی را برای احداث آن بیان کرده است. به‌علاوه به بررسی و ارزیابی نقش و تأثیر این بنا در شکل‌گیری بناهای هشت‌ضلعی، به‌عنوان گونه جدید و مستقل در معماری تدفینی پرداخته است. روش این مطالعه بر پایه انجام مطالعات توصیفی-تحلیلی، بازدید میدانی و نیز بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولاً این بنا با هدف برپایی بنایی یادمانی و با کارکردی آرامگاهی ساخته شده است. ثانیاً ساخت آن احتمالاً در سال‌های آخر قرن ۴ ق/۱۰ م در کرمان رخ داده است. ثالثاً شکل هشت‌ضلعی و ویژگی‌های بیرونی آن الهام‌بخش ساخت بناهای هشت‌ضلعی و کثیرالاضلاع با عملکردی مشابه در تاریخ معماری ایران است.</p>

نویسنده مسئول:

علیرضا انیسی

دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

پست الکترونیک:

Anisi61@yahoo.co.uk

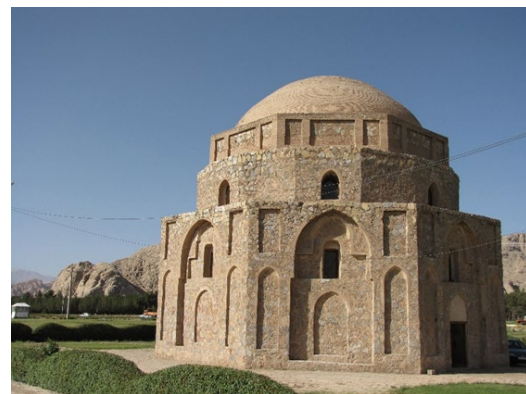
کلیدواژه‌ها: گنبد، هشت‌ضلعی، معماری اسلامی، جبلیه، آرامگاه، کرمان

حقوقی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

انیسی، علیرضا (۱۴۰۰). گنبد جبلیه در کرمان؛ بررسی و ارزیابی مجدد. فصلنامه علمی/اثر. ۴۲(۱)، ۲-۱۶.

مقدمه

شناخت پیشینه معماری ایران نیاز به بررسی و مطالعه بناهای شاخص و ارزشمند در گونه‌ها و اشکال مختلف دارد، تا بتوان به ریشه‌های تاریخی و سیر تحول آنها دست یافت. بناهای هشت‌ضلعی یکی از گونه‌های مهم در معماری ایران و جهان اسلام هستند که از قرون اولیه اسلامی، عموماً در قالب بناهای یادمانی ظاهر شده‌اند. یکی از شاخص‌ترین این آثار در کشور ما، بنای «گنبد جبلیه» و یا «جبل سنگ» در شرق شهر کرمان است، که در دامنه کوه صاحب‌الزمان (شیوشگان) واقع شده است (شکل ۱).



شکل ۱. نمای جنوب غربی گنبد جبلیه

منبع: نگارنده، ۲۰۲۰

این بنا از نظر خصوصیات معماری، به‌ویژه استفاده از مصالح سنگی که در میان آثار خشتی و آجری منطقه کمتر به چشم می‌خورد، همواره مورد توجه محققین بوده و درباره آن مطالب مختلفی نوشته شده است، اما بررسی پیش رو با مرور مطالعات گذشته و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی که بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی انجام شده، به بررسی و ارزیابی مجدد این بنا و پاسخ به برخی شبهات در مورد آن پرداخته است. به‌منظور دستیابی به این هدف، پاسخگویی به چند پرسش در این پژوهش ضروری هستند:

۱. کارکرد اصلی این بنا چه بوده و با چه هدفی ساخته

شده است؟

۲. محدوده زمانی ساخت این اثر چگونه تخمین زده می‌شود؟

۳. این بنا چه تأثیری در ساخت سایر بناهای هشت‌ضلعی هم‌دوره و بعدتر داشته است؟

۴. جایگاه این اثر در تاریخ معماری ایران چیست؟

پیشینه تحقیق

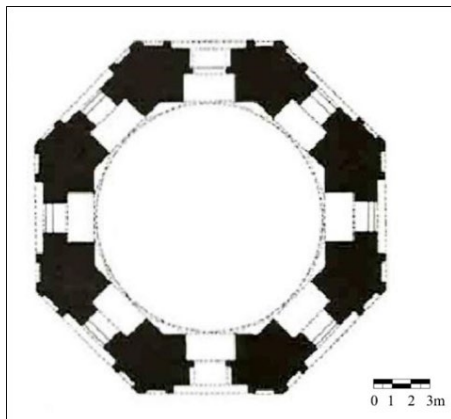
اولین اشاره نسبتاً دقیق به این بنا توسط سرپرسی سایکس در هنگام بازدید وی از کرمان در حدود سال ۱۸۹۳ م/۳۱۱ - ۱۳۱۰ ق صورت پذیرفت. وی پس از ذکر ابعاد بنا از آن به‌عنوان تنها بنای سنگی گنبد دار کرمان یاد می‌نماید.^۱ او می‌نویسد که به باور ایرانی‌ها این بنا «گنبد گبر» است و اهالی محل آن را قبر یک زرتشتی و برخی قبر سید محمد تباشیری می‌دانند که البته در بعضی از قسمت‌ها این نسبت دومی را تکذیب می‌کنند. او معتقد است که هنگام تخریب قبرستان، سنگ‌قبر داخل بنا نیز ویران و برای مقاصد ساختمانی به کار رفت (Sykes, 1902, P. 192). شایان ذکر است، نقشه‌ای که وی از کرمان در آن زمان منتشر می‌کند، قدیمی‌ترین سندی است که موقعیت جبلیه را به‌روشنی بر روی آن و در سمت شرقی خارج از شهر نشان می‌دهد (Sykes, 1902, P. 188). کرسول نیز با چاپ عکسی از گنبد جبلیه که توسط سایکس در سفرش به کرمان برداشت شده (شکل ۲) می‌گوید، به‌دلیل آنکه گنبد‌های اولیه اسلامی نادر است، او نمی‌تواند برای آن تاریخی تعیین کند، ولی آن را نمونه‌ی روشنی از بناهای دوره‌ی اولیه‌ی پاتان در دهلی می‌داند (Creswell, 1915, P. 208)، اما اولین بررسی علمی در مورد معماری این بنا توسط اریک شرودر در دهه ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۰ م صورت پذیرفت. وی آن را «جبل سنگ» می‌نامد و با انتشار پلان، برش و نمایی از این بنا (شکل ۳) که نخستین مدارک فنی در مورد آن هستند، مهم‌ترین ویژگی معماری آن را عقب‌نشینی تدریجی بدنه‌های بنا از سطح زمین به سمت بالا (گنبد) برمی‌شمارد. وی با توجه به ویژگی‌های معماری، گنبد جبلیه را بنایی با شیوه‌ی پیشرفته ساخت‌وساز برمی‌شمارد. او



شکل ۲. عکس گنبد جبلیه در اواخر دوره قاجار در حدود سال

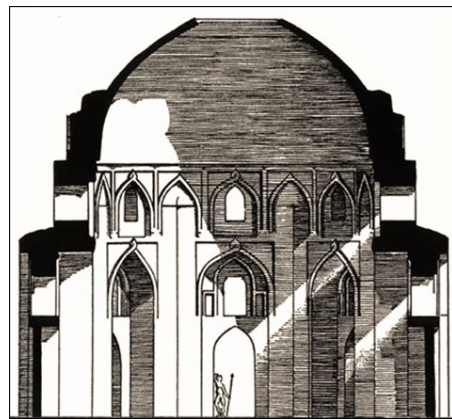
۱۸۹۳ م/ ۳۱۱ - ۱۳۱۰ ق

منبع: Creswell, 1915



شکل ۳. برش و پلان گنبد جبلیه، ترسیم‌شده در دهه ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۰ م

منبع: Schroeder, 1981



همچنین با توجه به بقایای چند ردیف از آجرهای موجود روی بقایای گنبد بنا، معتقد است گنبد جبلیه داری قدیمی‌ترین گنبد دوپوش در ایران بوده که هیچ‌گاه ساخت آن به پایان نرسیده است و علت آن را حمله غزان به کرمان و قتل‌عام اهالی شهر در سال ۵۸۲ ق/ م ۱۱۸۶ می‌داند (Schroeder, 1981, PP. 1016-1018). این تاریخ‌گذاری شرودر مبنای اظهارنظرهای اکثر محققان بعدی به‌ویژه غربی‌ها، بدون بررسی دقیق بنا می‌شود که به آنها پرداخته‌ایم.

که با ویژگی و شخصیت ساسانی نسبت به سایر مقابر متأخرتر از خود بنا شده است (Pope, 1965, P. 185). باستانی پاریزی نیز دیگر محققى است که اعتقاد دارد این بنا با توجه به منابع تاریخی و نیز مصالح سنگی آن، احتمالاً متعلق به دوره پیش از اسلام و از بناهای زرتشتیان است که حتی در سال ۳۱۰ ق توسط آل الیاس سامانی تعمیر گردیده است^۲ (Bastani Parizi, 1956, P. 48). موسوی نیز ضمن بیان روایت‌های تاریخی در مورد این بنا و توصیف کوتاه آن، معتقد است که گنبد جبلیه با توجه به

گذار نیز ضمن اشاره به شیوه ساخت گنبد این بنا، آن را در زمره آثار دوره سلجوقی ذکر می‌کند (Godar, 1988, P. 125). ویلبر نیز با پذیرش تاریخ اواخر قرن ۶ ق/ ۱۲ م برای ساخت بنای جبلیه، گنبد آن را نمونه‌ای از یک گنبد درونی که هرگز تکمیل نشده می‌داند و وجود گریو بلندی برای ساخت پوسته آجری یا چوبی بیرونی گنبد بنا را، محتمل می‌داند (Wilber, 1955, P. 64). پوپ نیز با اشاره‌ای بسیار کوتاه به این بنا آن را متعلق به قرن ۷ ق/ ۱۳ م برمی‌شمرد

بیرونی آن با قاب‌بندی‌های مشابه که روی هر ضلع آن قرار دارند، پوشیده شده است. قطر داخلی بنا ۱۱/۸۷ متر است، عرض هر ضلع بنا ۶/۹۸ متر و ارتفاع هر یک ۸/۱۲ متر است. ضخامت هر یک از جرزهای بنا در پایین و روی زمین ۲/۸۳ متر است. پی‌گردی اخیر این بنا که در سال ۱۳۹۷ ش به‌منظور آگاهی از ساخت و نحوه اتصال و عمق دیوارهای بنا در داخل زمین بستر آن توسط اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمان انجام شد، نشان داد که دیوارهای آن فاقد پی به معنای امروزی هستند و هر دیوار با همان ضخامت خود، به عمق ۹۰ سانتی‌متر مستقیماً در داخل خاک بستر قرار دارد (Anisi & Vakili, 2020, P. 42).

پهنای این بنا از پایین به بالا به‌صورت پله‌ای در سه تراز ارتفاعی کاهش می‌یابد و به عبارتی بنا با افزایش ارتفاع در این سطح سه، باریک‌تر می‌شود. ضخامت زیاد جرزها، عقب‌نشینی پله‌ای سطوح جداره‌ها نشان از پیش‌بینی سازنده برای کاهش نیروی رانش گنبد بنا داشته است. این تدبیر سازه‌ای و نیز استفاده از سنگ به عنوانی مصالحی بادوام در مقایسه با مصالح بومی یعنی خشت و آجر، نشان از تمایل سازنده به برپایی بنایی مقاوم و ماندگار دارد (شکل ۴).

همان‌طور که ذکر شد، قدیمی‌ترین عکس‌های این بنا توسط سایکس در دهه ۱۸۹۰ م / ۱۲۷۰ ش و نیز اولین نقشه بنا توسط شرودر در دهه ۱۹۳۰ م / ۱۳۱۰ ش منتشر شده است. هر دوی این تصاویر نشان می‌دهند که دو در روبه‌روی هم، که یکی از آنها در ورودی فعلی بنا در جنوب آن است در آن زمان باز بودند، در حال حاضر در شمالی بنا مسدود است. البته به نظر می‌رسد که سایر تاق‌نماهای موجود روی هر یک از اضلاع بیرونی بنا، در طرح اولیه باز و بعدها مسدود شدند؛ بنابراین احتمال دارد که گنبد جلیه از ابتدا دارای هشت ورودی، یعنی شکلی دعوت‌کننده برای ورود و بازدید مردم از درون داشته است. هر یک از اضلاع بیرونی بنا با قاب‌بندی تزیین شده‌اند. در وسط هر ضلع، قابی عمودی به عمق حدود ۲۰ سانتی‌متر که با قوس تیزه‌داری در بالای آن، به همراه پنجره یا روزنه عمودی شکل دیگری وجود دارد. در

شیوه ساختش احتمالاً بنای ماقبل دوره سلجوقی و حتی پیش از دوره اسلامی است. وی با توجه به نام «گنبد گنج» در متون تاریخی، ساخت آن را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهد (Mosavi, 1976, P. 77). پارسای قدس به تکرار مطالب نویسندگان قبلی می‌پردازد و گنبد جلیه را بنایی بازمانده از دوره سلجوقی بیان می‌نماید (Parsay-i Quds, 1977, P. 51). گنبد جلیه را منسوب به دوره سلجوقی ذکر می‌نماید (Meshkati, 1966, P. 155). بلر نیز احتمالاً با توجه به نظر محققان پیشین، گنبد جلیه را بنایی آرامگاهی متعلق به قرن ۶ ق/ ۱۲ م برشمرده است (Blair, 1983, P. 83). همت کرمانی در کتاب *تاریخ مفصل کرمان* می‌نویسد که سال‌ها پیش در یکی از زاویه‌های این گنبد سنگ‌قبری وجود داشته که اهالی کرمان، به‌ویژه زرتشتیان علاقه‌ای مخصوص به آن داشتند و این سنگ‌قبر در سیل مهیب سال ۱۳۱۳ ش کرمان از میان رفت. وی همچنین اضافه می‌کند که قسمتی از این بنا که در جریان این سیل آسیب دید، در سال ۱۳۱۸ ش به همت اداره باستان‌شناسی تعمیر شد (Himmat Kirmani, 1985, P. 43). هیلن براند نیز این بنا را در زمره بناهای سلجوقی قلمداد کرده که شیوه پیشرفته‌ای در قاب‌بندی بدنه و تزیینات داخلی آن با مصالح سنگی، به کار برده شده است (Hillenbrand, 1989, P. 87). اوکین آخرین محققی است که به‌صورت مشروح به این بنا پرداخته و با مرور مطالب گذشته و ارائه شواهدی از تزیینات بنا و مقایسه آن با موارد مشابه، تاریخ ساخت این بنا را به دوره حکمرانی قوام‌الدواله دیلمی در کرمان، ۴۱۹-۴۰۳ ق / ۱۰۲۸-۱۰۱۲ م، نسبت می‌دهد (O'kane & Abdullah, 1997, P. 7). در *فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی* نیز گنبد جلیه به استناد فرهنگ معین، بنای پیش از اسلام ذکر شده است (Behishti & Qayummi Bidhindi, 2010, P. 525).

توصیف و تحلیل بنا

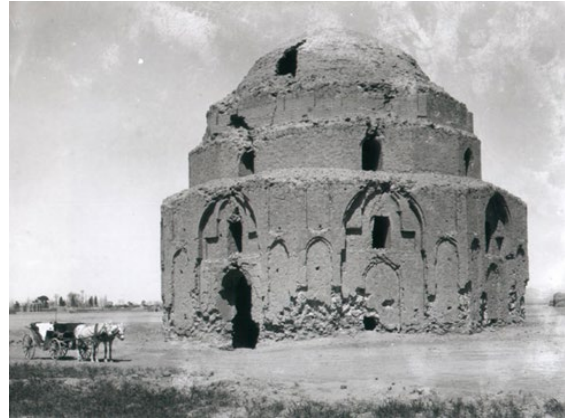
گنبد جلیه بنایی هشت‌ضلعی از سنگ لاشه با ملاط گچ است که بر فراز آن گنبد تک‌پوسته آجری قرار دارد. نمای



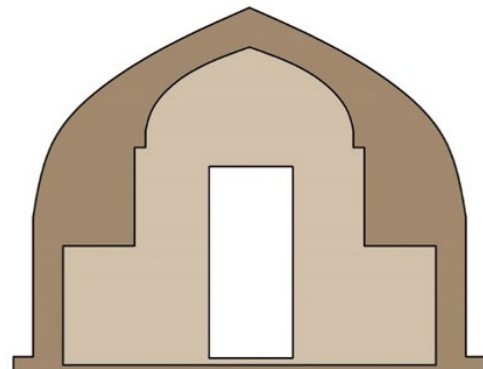
طرح تزئینی دیگری از گنچ، پیرامون پنجره را احاطه کرده است (شکل ۵).



شکل ۴. عکس‌های نمای خارجی و داخلی گنبد جبلیه در حدود سال ۱۲-۱۳۱۱ ش / ۳۴-۱۹۳۳ م
منبع: (Byron, 1905-1941)



شکل ۶. عکس گنبد جبلیه در حال تعمیر در سال ۱۳۴۹
منبع: (Iranian Cultural Heritage Organization, Kirman)
(Local Office Archive, n.d.)



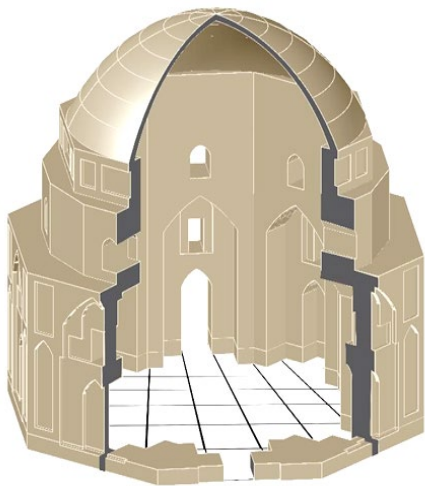
شکل ۵. طرح تزئینی درون هر قاب بیرونی بنا
منبع: نگارنده، ۲۰۲۱

مستطیل بر وجود دارد، به چشم می‌خورد. از روی این دیوار نیز گنبدی مازهدار به ارتفاع ۴ متر ساخته شده است. ارتفاع کل بنا از سطح زمین به میزان ۱۸/۳۳ متر است. گفتنی است این گنبد در سال ۱۳۴۹ ش توسط دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در کرمان، تعمیر و مرمت شده است (شکل ۶).

درون بنا نیز روی هر یک از اضلاع داخلی آن، قاب‌های مستطیل‌شکلی به عرض ۴ متر قرار دارند که بر فراز هر یک

در هر طرف این قاب مستطیل وسطی، دو قاب دیگر در بالا و پایین یکدیگر مشاهده می‌شوند. در قسمت فوقانی آن قاب ساده مستطیل‌شکل عمودی و در پایین آن قاب عمودی دیگری که قوسی تیزه‌داری در بالای آن است، قرار دارند. در فراز این دیوارها نیز دیواری به ارتفاع ۳/۱۱ متر وجود دارد که در فواصل منظم، مجموعاً ۸ پنجره و یا روزنه‌ای قرار گرفته‌اند. در ردیف بالای این سطح و پیرامون گنبد، دیواری سنگی به ارتفاع ۱/۹۳ متر که روی آن قاب‌های مربع و

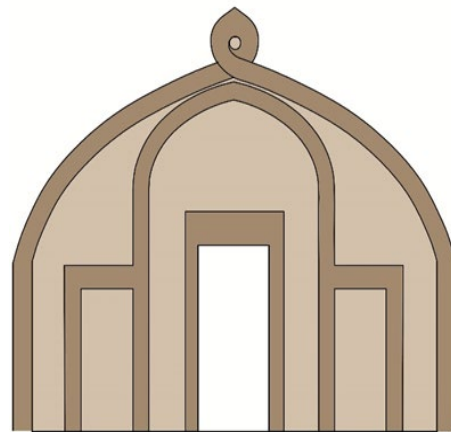
اشاره نشده است. وجود تزیینات درونی بنا و نیز پنجره‌ها یا روزن‌های متعدد نورگیر، حاکی از قصد سازنده برای ایجاد فضای درونی جذاب و قابل‌بازدید است. قاب‌بندی وسیع بر روی نمای خارجی آن علاوه بر ایجاد نوعی تزیین باعث می‌شود تا با عقب‌نشینی و سایه‌اندازی، حجم سنگین و زمخت این بنا از نظر بصری، سبک‌تر به نظر بیاید. چنین ترفندی در نمای مقبره دوازده امام یزد نیز قابل‌مشاهده است که نشان از تأثیر متقابل طراحی این دو بنا بر یکدیگر دارد (شکل ۸).



شکل ۸. برش سه‌بعدی جلیبه
منبع: نگارنده، ۲۰۲۱

در بالای هشت ضلع جداره بنا، محل انتقال نیروی گنبد است که خود مشتمل بر ردیفی از شانزده تاق‌نمای متقارن، در کنار یکدیگر است که یک در میان در داخل آنها پنجره یا روزنه‌ای وجود دارد. این ردیف از تاق‌نماها در واقع زمینه را برای احداث پوشش سقف، یعنی گنبد آجری آن به وجود می‌آورد (شکل ۹).

قوس تیزه‌دار دیگری قرار گرفته که در مجموع ۸ قاب قرینه را در کنار یکدیگر به وجود می‌آورند. همچنین در داخل هر یک از این قاب‌ها دو طرح مجزا از یکدیگر دیده می‌شود. در قسمت پایین هر یک، تاق‌نمایی با قوسی تیزه‌دار در بالای آن قرار دارد. در بالای هر قاب در هر دهانه، پنجره مستطیل‌شکلی است که در هر طرف آن قاب مستطیل‌شکل پشت بسته دیگری وجود دارد. این سه قاب در کنار یکدیگر به وسیله قاب‌های گچی دیگری به یکدیگر متصل شدند و در نهایت طرحی تزیینی را به وجود می‌آورند (شکل ۷).



شکل ۷. طرح تزیینی داخل قاب‌های داخل هشت‌ضلعی بنا
منبع: نگارنده، ۲۰۲۱

بر روی بخش‌هایی از دیواره و زیرپوسته گنبد هنوز آثار اندود گچ باقی مانده که نشان می‌دهد در گذشته درون بنا، کاملاً با اندود سفید گچ پوشیده شده بود. در هر دهانه و در داخل هر یک از این قاب‌ها و در بالای رأس هر قوس، حلقه‌ای گچی با شکل جناغی مشاهده می‌شود. همین طرح نیز دوباره به ابعاد بزرگ‌تر، در فراز قوس بزرگ در هر دهانه وجود دارد. با وجود این تزیینات، در درون بنا اثری از کتیبه و یا بقایای آن دیده نمی‌شود؛ از این رو این احتمال وجود دارد که بنا در دوره‌ای از قرون اولیه اسلامی برپا شده که هنوز ساخت کتیبه در داخل بنا چندان مرسوم نبوده است. شایان ذکر است که در حال حاضر در داخل بنا اثری از سردابه یا زیرزمین وجود ندارد و در هیچ منبع قابل‌دسترسی نیز به وجود آن در گذشته

سال ۲۲۷ ق/ ۸۴۲ م درگذشت و این مقبره به سفارش مادر مسیحی‌اش برای وی به صورت یک بنای هشت‌ضلعی گنبددار، در ساحل رودخانه فرات در سامرای عراق در حدود سال ۲۴۸ ق/ ۸۶۲ م ساخته شد (Grabar, 1966, PP. 14-15).

قدیمی‌ترین نمونه تاریخ‌دار در ایران، بنای هشت‌ضلعی آجری در سمت غربی (قبله) حیاط مسجد جامع نطنز است. این بنای گنبددار که در بخشی از پیرامون آن راهرویی قرار دارد، دارای ویژگی‌هایی خاصی مانند شکل، تزیینات، نحوه چیدمان آجرها در دیوارها به رج‌های افقی و عمودی که به صورت ردیف‌های یک در میان است و در برخی دیگر از میان بناهای قرون اسلامی نیز دیده می‌شود. در جریان تعمیرات هشت‌ضلعی در سال ۱۳۵۸، کتیبه‌ای قرآنی با تاریخ ۳۹۸ ق / ۹۹۹ م به همراه طرح‌های گچی حلقه‌ای شکل مشابه گنبد جبلیه درون آن پدیدار شدند (شکل ۱۰). بلر با بررسی شواهد موجود در این بنا، آن را مقبره شهیدی شیعی و به عبارتی یک امام‌زاده معرفی می‌کند (Blair, 1983, P. 89).



شکل ۹. نمای داخلی و تقسیمات منطقه انتقال گنبد بنا
منبع: نگارنده، ۲۰۱۵

کارکرد بنا

هشت‌ضلعی یکی از اشکال باسابقه در معماری اسلامی است. قدیمی‌ترین نمونه آن بنای یادمانی «قبه‌الصخره» در بیت‌المقدس است که در واقع عملکردی زیارتی دارد. شکل هشت‌ضلعی این بنا با گنبدی بر فراز آن، به عنوان الگوی بناهای یادمانی و زیارتی در جهان اسلامی، تقلید و استفاده شده است. دومین بنای هشت‌ضلعی شناخته شده «قبه‌الصلیبه» یا مقبره المعتصم خلیفه عباسی است که در



شکل ۱۰. تشابه طرح‌های تزیینی؛ سمت راست، هشت‌ضلعی گنبددار در نطنز؛ سمت چپ، گنبد جبلیه
منبع: نگارنده، ۲۰۱۵



بیرونی به همراه طرح‌های تزیینی است. وجود راه‌پله‌ای در داخل این بنا می‌تواند گواهی بر وجود گنبد دویوسته و تاریخ ساختش احتمالاً در نیمه دوم قرن ۴ ق/ ۱۰ م است (Anisi, 2015).

بنای دیگر، برج بزرگ هشت‌ضلعی در سمیران در منطقه طارم قزوین است. این بنای سنگی که بقایای گنبد آجری آن هنوز بر جای مانده، دارای جداره‌های قاب‌بندی‌شده

پایداری بیشتر آن است؛ این موضوع به‌ویژه در منطقه زلزله‌خیزی مانند کرمان بسیار اهمیت دارد.

یکی از آنها «مقبرهٔ ایاز» در سنگ بست (نیمه اول قرن ۵ ق / ۱۱ م) در نزدیکی مشهد است. این بنا نیز در ابتدا دارای گنبد دوپوسته‌ای بوده که در حال حاضر اثری از پوسته بیرونی آن نیست (Anisi, 2008, P. 334). براساس برداشت میدانی نگارنده و نیز ترسیم دقیق بنا توسط شرودر (Schroeder, 1981, P. 1017)، در گنبد جبلیه نسبت ارتفاع درونی به عرض آن $1/53$ و نسبت ارتفاع منطقه انتقال نیرو (چپیره) به منطقه مسقف (بشن) $0/88$ است. دومین بنای آرامگاهی گنبددار، قبهٔ معروف به دوازده امام در یزد است. در این بنا نیز با توجه ترسیم دقیق آن توسط شرودر (Schroeder, 1981, P. 1004) نسبت ارتفاع به عرض داخلی آن نیز $1/56$ و نسبت منطقه انتقال نیرو به منطقه مسقف‌شده $0/76$ است. در گنبد جبلیه نسبت ارتفاع درونی به عرض آن $1/44$ و نسبت منطقه انتقال نیرو به منطقه مسقف شده $0/88$ است. این نسبت‌ها نشان می‌دهد که سازهٔ گنبد جبلیه با دقت برای تحمل وزن گنبد و خنثی‌سازی حداکثری نیروهای جانبی طراحی شده است؛ بنابراین احتمال وجود پوش دوم گنبد یا پیش‌بینی برای ساخت آن در طرح اولیهٔ بنا، قابل قبول است. باید توجه کرد که کرمان در منطقهٔ زلزله‌خیزی قرار دارد و احتمال تخریب پوشش بیرونی توسط عوامل طبیعی مانند زلزله یا عوامل جوی به‌دلیل رها و متروکه‌شدن آن در طی قرن‌های متمادی، محتمل بوده است.

از نظر ساختاری، نسبت عرض کلی گنبد جبلیه تقریباً با ارتفاع مساوی است. این تناسب و نیز سایر ویژگی‌های سازه‌ای مانند پایه‌های ضخیم و کاهش پله‌ای عرض بنا با افزایش ارتفاع نشان می‌دهد که کالبد بنا با دقت برای استواری و ماندگاری بیشتر طراحی شده است. این احتیاط می‌تواند بر ایجاد گنبد دوپوشی که شرودر نیز قبلاً به آن اشاره کرده، دلالت داشته باشد. از طرفی در دورهٔ سلجوقی موضوع گنبدسازی به‌شکلی توسعه‌یافته در معماری ایران

(2008, P. 219). در این بنا اجساد پیدا شدند که نشان از کارکرد تدفینی آن دارد (Varjavand, 1995, P. 426). نمونهٔ دیگر نزدیک به کرمان، بنای هشت‌ضلعی گنبددار مشهور به «گنبد علی یا عالی» در شهر ابرکو است. این بنا نیز آرامگاه دو نفر یعنی ابوعلی هزار سپ حاکم دیلمی ابرکوه و همسرش ناز بنت دشمنزار است و تاریخ ساخت آن با توجه کتیبه‌اش ۴۸۸ ق / ۵۷-۱۰۵۶ م است (Godar, 1988, PP. 222-225). در این میان موقعیت قرارگیری گنبد جبلیه نیز قابل توجه است؛ بدین معنی که گنبد جبلیه در سطحی نسبتاً مسطح و در فضای باز عمومی ساخته شده است تا دسترسی به داخل بنا آسان و امکان زیارت متوفی وجود داشته باشد که خود این موضوع بر کارکرد تدفینی اثر تأکید دارد. با توجه به وجود نمونه‌های مشابه از نظر شکل و مصالح و نیز سایر خصوصیات معماری گنبد جبلیه از جمله فضای وسیع داخلی، تزئینات داخلی و خارجی بدنه‌ها، ورودهای متعدد، استفاده از مصالح سنگی، موقعیت قرارگیری و نیز روایت‌ها و اعتقادات مردم محلی دربارهٔ مقبره‌بودن این بنا می‌توان این احتمال را داد که گنبد جبلیه از ابتدا به‌عنوان بنایی یادمانی که قرار بوده خاطرۀ ابدی شخصیت مهمی را حفظ نماید، احداث شده است؛ از این رو پذیرش عملکرد آرامگاهی برای آن قابل قبول است:

بررسی گنبد بنا

با توجه به کارکرد گنبد جبلیه به‌عنوان یک آرامگاه، لازم است به‌منظور بررسی دقیق‌تر، نگاهی به سایر بناهای آرامگاهی گنبددار مشابه در این دوره داشته باشیم تا با ویژگی‌های گنبدسازی در بنای جبلیه و نیز امکان دوپوسته‌بودن گنبد آن بهتر آشنا شویم. به‌طورکلی نسبت ارتفاع به عرض درونی هر بنا، یکی از عوامل مهم و مؤثر در تحمل وزن گنبد و پایداری آن است. هرچه این نسبت کمتر باشد، پایداری آن در برابر نیروهای جانبی بیشتر است. عامل دیگر نسبت ارتفاع منطقه انتقال نیرو به ارتفاع داخلی بناست که از اهمیت خاصی در ایجاد نیروی افقی در پای خود بنا و

تا با بررسی دوباره شواهد موجود و نمونه‌های مشابه، به بازنگری آن پرداخت. شایان ذکر است که بطور کلی در ایران تا پیش از حمله مغول (قرن ۷ ق/ ۱۳ م)، بناهای سنگی شمار کمتری نسبت به بناهای خشتی و اجری دارند. از این رو مصالح ساخت بنا می‌تواند در تاریخ گذاری آن مورد توجه قرار گیرد. یکی از این آثار سنگی، بنای مکعب‌شکل دوطبقه، معروف به «زندان هارون» است که احتمالاً یک پاسگاه نظامی در دوره آل‌بویه بوده، در جنوب شرق تهران و در منطقه مسگرآباد واقع است. گنبد این بنا در حال حاضر تخریب شده است، ولی گوشه‌سازه‌های آجری آن هنوز وجود دارند. نمونه دیگر از بناها که دارای بدنه سنگی و گنبد‌های آجری است، «کاخ سروستان» فارس است. در ابتدا تصور می‌شد این بنا با توجه مصالح سنگی‌اش متعلق به دوره ساسانی است، ولی تحقیقات بعدی، برای آن تاریخی در دوره آل‌بویه در فارس و در قرن ۴ ق/ ۱۰ م، پیشنهاد کرد (Bier, 1986, P. 73). همان‌طور که قبلاً ذکر شد، برج مقبره سمیران و گنبد علی نیز که توسط حکام دیلمی ساخته شده‌اند، نشان از رواج و مقبولیت استفاده از مصالح سنگی در ساخت بناهای یادمانی در دوره آل‌بویه دارد.

در کتاب *المضاف الی بدایع الزمان فی وقایع کرمان*، تألیف افضل‌الدین ابو‌حامد احمد ابن کرمانی (۶۱۵-۵۳۰ ق)، در باب تجدید بنای کرمان چنین آمده است: «در شهر عشر و ثلثمائه و نوبت دولت سامانیان ابوعلی الیاس را که از عیار پیشگان خراسان بود به کرمان فرستادند و وی سی‌وهشت سال متصرف ملک کرمان بود و باغ سیرگانی و بالیاباد (بعلیاباد) سرای اندرون او بنا کرد و خندق و قلعه قدیم و قلعه نو و بعضی از قلعه‌های کهن از بنای اوست که در آن گنبد گبران است از عمارت‌های قدیم از یک جانب او ریاض و حدائق آسف و شاه‌یجان است و از دیگر جانب بساتین و مزارع دیه رائین و فرمیتن» (Kirmani, 1952, P. 54).

افضل‌الدین کرمانی در کتاب دیگر خود، *عقد‌العلی للموقف الاعلی* که در سال ۵۸۴ ه. ق تألیف شده، چنین می‌نویسد: «... و ابوعلی محمد بن الیاس که نام او بر دروازه

مطرح شده است. در مقایسه با مقابر گنبددار دوپوسته سلجوقی، یعنی برج مقبره هشت‌ضلعی اول (۴۶۰ ق) و برج مقبره دوم در خرقان (۴۸۶ ق) و نیز مقبره سلطان سنجر در مرو (حدود ۵۷۱-۵۷۰ ق)، نسبت ارتفاع داخلی به عرض آن به‌ترتیب ۱/۷۴، ۱/۵۷ و ۱/۶۴ است. همچنین این نسبت در قدیمی‌ترین گنبد دوپوسته مساجد سلجوقی، یعنی مسجد جامع برسیان (۴۹۸ ق)، به میزان ۲/۳۲ است. این نسبت‌ها در مقایسه با جبلیه نشان می‌دهد که شیوه ساخت بنا در جبلیه بسیار با احتیاط و عملاً ساده‌تر از دوره سلجوقی بوده است.

باید در نظر داشت که سابقه استفاده از گنبد دوپوش در معماری اسلامی ایران خیلی روشن نیست. قدیمی‌ترین اطلاعی که در این زمینه وجود دارد، نقل‌قول خواجه نظام‌الملک در کتاب *سیاست‌نامه* است که به ساخت استودانی با گنبدی دوپوشش با رنج و خرج زیاد، توسط مرد ثروتمند گبری به نام برزجومید (بزرگ امید)، در زمان حکومت فخرالدواله بر جبال (۸۷-۳۸۴ ق / ۹۷-۹۸۴ م) در بالای کوه تبرک اشاره می‌کند (Khaji Nizam al-Mulk, 1965, P. 187). اطلاعات بیشتری در باب این گنبد دوپوش در اختیار نیست، اما با توجه به این گفته می‌توان نتیجه گرفت که فن و روش ساخت گنبد‌های دوجداره، حداقل از نیمه دوم قرن ۴ ق/ ۱۰ م شناخته شده بوده است. البته باید توجه کرد که در نمونه‌ها و تجارب اولیه گنبد‌های دوپوش، پوسته‌های آنها در پایه به هم متصل بودند، ولی به تدریج پوسته دوم یا بیرونی که حکم محافظ را داشت، از پوسته درونی جدا و با فاصله کمی روی آن قرار می‌گرفت (Mimariyan, 2012, P. 458)؛ بنابراین احتمالاً در این دوره، ساخت گنبدی دوجداره در این بنا، با فاصله کم میان پوسته‌های آن ممکن بود؛ هرچند امروزه حتی اثری از گنبد بیرونی آن نیز بر جای نمانده است.

تاریخ‌گذاری بنا

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، درمورد تاریخ ساخت گنبد جبلیه نظرات مختلفی ابراز شده است و ضرورت دارد

شهر مطابقت دارد، ولی با توجه به اینکه این اطلاعات بسیار محدود و در قرون بعدی نیز نوشته شده‌اند، نمی‌توانند با قطعیت ادعا کرد که آنها بر همین بنای موجود گنبد جبلیه دلالت دارند. اما در کتاب *جغرافیای ایالت کرمان* که در عهد ناصری، در سال ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م، تألیف شده است در بخش شرح آثار خارج از بلده (کرمان)، گنبد جبلیه را با همین نام جزو آثار دامنه، پای کوه و بالای زریسف ذکر می‌کند که دقیقاً همان موقعیت امروزی اثر است (Monshi, Kirmani, 2012, P. 127). این موضوع نشان می‌دهد که بنا در این فاصله زمانی با همین نام امروزی کاملاً شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به اینکه کرمان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است، تاریخ تحولات شهری و سیاسی آن در قرون اولیه اسلامی به تفصیل روشن نیست. گفته می‌شود که بنیان‌گذار شهر فعلی کرمان اردشیر ساسانی (ح. ۲۴۲-۲۲۴ م) است. عملکرد اصلی این شهر در طول تاریخ داشتن مرکزیت سیاسی و نظامی در منطقه بود. به علاوه شهر در نقطه‌ای بود که راه‌های تجاری و بازرگانی را از سواحل خلیج فارس به مناطق شمالی‌تر مانند خراسان بزرگ متصل می‌کرد، که این موقعیت جغرافیایی و استراتژیک نیز مهم و بارز بود (Bastani Parizi, 1987, P. 195). کرمان در دوره اسلامی در سال ۲۴ ق/ ۶۴۵ م به تصرف سپاه اسلام درآمد و پس از سقوط امویان تحت حاکمیت عباسیان قرار گرفت. در سال ۲۵۳ ق/ ۸۶۷ م یعقوب لیث صفاری وارد کرمان شد و از این تاریخ صفاریان بر کرمان حکمرانی کردند. در سال ۲۹۸ ق، احمد ابن اسماعیل سامانی موفق شد تا محمد بی علی بن لیث را شکست دهد و سیستان به دست سامانیان افتاد. در سال ۳۱۷ ق/ ۹۲۹ م، سلسله‌ای با نام «آل الیاس یا بنو الیاس»، توسط محمد ابن الیاس در منطقه کرمان پایه‌گذاری شد و این سلسله توانست حدود ۴۰ سال بر کرمان حکومت کند (Vaziri, 1996, PP. 277-322). در چهار قرن اول اسلامی سیرجان مرکز ایالت کرمان بود، ولی بعدها محمد ابن الیاس این مرکزیت را به دلیل نگرانی از حمله حکومت

خبیص نبشته عمارت بارو کرد است و خندق و قلعه نو و بعضی از قلعه کهن از بنا اوست و گویند از قلعه کهن گنبدی که او را گبر (کبیر) خوانند از عمارت‌های قدیم است و نام بانی آن ندانند و گویند آن کس که آن گنبد کرد گفت بینت قصرأ بین جنتین یعنی کوشکی میان دو بهشت بنا کردم که از یک جانب ریاض و حدائق دیه آصف و شاه‌یجان است و از جانب دیگر دیه زریسف و فرمینتن» (Kirmani, 1977, P. 90). شایان ذکر است که در قدیم زریسف و فرمتین از دهات قدیم کرمان بودند که البته بعدها به شهر پیوستند و اولی در حال حاضر یکی از محلات قدیمی و زرتشتی‌نشین شهر به حساب می‌آید.

قدیمی‌ترین منبعی که از این بنا با عنوان گنبد جبلیه یاد می‌کند، تذکره *اولیای محرابی* یا *مزارات کرمان*، نوشته شده در فاصله سال‌های ۹۲۵-۹۳۹ ق است، که چنین می‌گوید: «... آن کس خوف کرده و از خدمت شیخ بیرون آمده، مرتبه مرتبه با عقب می‌رفته تا بنزدیک گنبد جبلی رسیده که بسیار شمع و فانوسی با جمعی کثیر بخدمت شیخ بردند...» (Mihrahi-yi Kirmani, 1951, P. 100).

ناصرالدین منشی کرمانی نیز در کتاب *سمط العلی للمحضره العلیا*، تألیف شده در بین سال‌های ۷۱۵ تا ۷۲۰ ق، در شرح پادشاهی اردشیر بابکان می‌نویسد: «... بارچاء و انحاء ملک احکام مشتمل بر ایفاد کشاورزان، پیشوران بطرف بردسیر صادر گردانید و گنبد گنج و قلعه شهر بنا فرمود» (Monshi Kirmani, 1949, P. 13). در کتاب *تحریر تاریخ و صاف* در ذکر پادشاهی بایدو سلطان ایلخانی (حدود سال ۶۹۴ ق)، از همین گنبد گنج دوباره یاد شده است: «... و پادشاه خاتون از واقعه آگاه شد و سپاهی گرد کرد و دروازه‌های استوار ساخت و احتیاط به قلعه گنبد گنج نشست به این خیال که اگر توانست مقاومت کند» (Ayati, 1967, P. 180).

با توجه به این متون، برخی از محققان گنبد گبری را همان گنبد جبلیه فرض نموده‌اند، اگرچه موقعیت کلی ذکرشده در این متون با موقعیت فعلی گنبد جبلیه در کنار

زیاد گنبد جبلیه نیز در این دوره و در سال‌های آخر قرن ۴ ق/۱۰ م، در کرمان ساخته شده است.

تأثیر گنبد جبلیه بر پیدایش مقابر هشت‌ضلعی

هیلن براند در کتابش *معماری اسلامی*، مقابر را به‌طور کلی از نظر شکلی به دو دسته مربع گنبددار و برج مقبره تقسیم می‌کند. او هشت‌ضلعی را مشتق از شکل مربع می‌داند و آن را شکلی مناسب برای گردش و زیارت یک قبر یا عنصر مقدس در مرکز آن می‌داند و از این‌رو آن را گونه‌ی مستقلی قلمداد نمی‌کند (Hillenbrand, 2000, P. 281). هرچند این فرضیه از جهتی درست است، در این رابطه باید به دو نکته‌ی مهم توجه کرد: نخست آنکه هرچند مربع یکی از اشکال پایه‌ی چندضلعی منتظم است، ولی این شکل با هشت‌ضلعی از نظر ساختاری تفاوت زیادی دارد؛ به‌ویژه آنکه شکل دومی امکان فراهم کردن سطوح بیشتری را برای ایجاد تزیین داخلی و خارجی و نیز افزایش امکان بهتر دیده‌شدن بنا حتی از دور فراهم می‌کند؛ بنابراین نباید پیدایش آن را تنها به دلیل سهولت در امر طواف محدود کرد، بلکه باید آن را نوعی ابتکار برای ارتقای معماری تدفینی برشمرد. به‌علاوه باید توجه کرد که هشت‌ضلعی هیچ سابقه‌ای در معماری پیش از دوره‌ی اسلامی در ایران ندارد و چندضلعی بودن آن، بعدها نیز الهام‌بخش پدیدآمدن مقابر ده‌ضلعی گنبددار مانند گنبد کبود مراغه (ربع آخر قرن ۶ ق/۱۲ م) و مؤمنه خاتون در نخجوان (۵۸۲ ق/۸۷-۱۱۸۶ م) شد.

شاخص‌ترین نمونه‌های مشابه گنبد جبلیه را از نظر شکل و مصالح، برج مقبره‌های واقع در سمیران (Varjavand, 1995, PP. 421-429; Kervran, 1973, P. 71) ابرکوه و آرامگاه‌های واقع در روستای توران پشت یزد (نیمه قرن ۶ ق/۱۲ م) هستند (Mosavi Rozaeii, 2010, PP. 212-214). مهم‌ترین نمونه‌ی مشابه در شهر کرمان، مقبره‌ی هشت‌ضلعی گنبددار خواجه اتابک (نیمه‌ی دوم قرن ۶ ق) است که هریک از اضلاع آن مانند جبلیه، با قاب‌بندی و طرح‌های تزیینی پوشیده شده است. در این نمونه‌ها به غیر از گنبد علی، قاب‌بندی و تزیین جداره‌های بیرونی به‌عنوان الگوی

آل‌بویه در فارس، به «بردسیر یا گواشیر» که همان شهر کرمان امروزی است منتقل و برج و باروی آن را مستحکم کرد. سرانجام عضالدواله دیلمی به ایالت کرمان لشکرکشی نمود و حکومت محلی آنها را در حدود سال ۳۶۰ ق سرنگون کرد و این ایالت را به مرکزیت شهر کرمان، تحت حاکمیت آل‌بویه درآورد (Vaziri, 1996, PP. 329-330). در حوالی سال ۴۴۰ ق، قاورد بر کرمان مسلط و حکومت سلجوقیان را در این منطقه پایه‌گذاری کرد (Vaziri, 1996, P. 346).

اوکین با توجه به شباهت این بنا با سایر بناهای هم‌دوره‌ی آن و با در نظر داشتن شباهت شکل و تزیینات گنبد جبلیه به بنای هشت‌ضلعی در نطنز (۳۹۸ ق / ۹۹۹ م) که پیش‌تر به آن اشاره شد و نیز شرایط سیاسی آن روز کرمان، این فرضیه را مطرح می‌کند که این بنا در دوران یک حکومت با ثبات در کرمان ساخته شده و بنا بر این تاریخ ساخت آن را به دوران حکومت قوام‌الدواله دیلمی (۴۱۹-۴۰۳ ق) نسبت می‌دهد (O'kane & Abdullah, 1997, P. 7).

هرچند که با در نظر گرفتن رواج سنت آرامگاه‌سازی در نزد حکام و بزرگان آل‌بویه، ساخت این بنا در این دوره قابل قبول است، ولی می‌توان در مورد زمان ساخت آن نظری جدید را مطرح کرد. به نظر می‌رسد با توجه به هزینه‌ی لازم برای برپایی چنین گنبدی، شخصیت و انگیزه‌ی مذهبی قدرتمندی در پشت چنین اقدامی بوده است. کرمان در سال‌های پایانی قرن ۴ ق/۱۰ م تحت حکومت ابوعلی ابن استاد هرمز، یکی از فرماندهان صاحب‌نام آن زمان در دستگاه آل‌بویه و نزد بهالدواله دیلمی و خلیفه‌ی عباسی وقت، یعنی القادر بالله (خ. ۴۲۲-۳۸۱ ق) از احترام برخوردار بود؛ چنان‌که این فرمانده از خلیفه لقب «عمیدالجیوش» را دریافت کرد. در دوره‌ی زمامداری او کرمان در صلح و آرامش بود و خطری آن را تهدید نمی‌کرد (Khodavirdi Tajabadi, 2007, P. 129). وی در سال ۴۰۱ ق در ۴۹ سالگی درگذشت. این مرگ زود هنگام و ناگهانی، شاید یکی از دلایل برهم‌خوردن مواضع سیاسی اجتماعی آن روز منطقه و در نتیجه ناتمام ماندن ساخت این بنا بوده است؛ بنابراین به احتمال

بوده به عنوان بنایی یادمانی و آرامگاهی و با گنبدی دوپوسته برپا شود، ولی به دلایلی نامعلومی ساخت آن به اتمام نرسیده است. ثانیاً تاریخ احداث این بنا برخلاف اظهارنظرهای قبلی در دوره اسلامی و احتمالاً در سال‌های پایانی قرن ۴ ق/۱۰ م، در زمان حاکمیت آل بویه بر کرمان است. ثالثاً، با توجه به این تاریخ‌گذاری مجدد، می‌توان این بنا را از نمونه‌های اولیه و یکی از سرسلسله‌های بناهای هشت‌ضلعی آرامگاهی در قرون اولیه اسلامی برشمرد که بعدها به الگویی مستقل و رایج برای احداث مقابر هشت‌ضلعی و حتی کثیرالاضلاع تبدیل شد و از این رو جایگاه مهمی در تاریخ معماری ایران در دوره اسلامی دارد.

سپاسگزاری

وجود ندارد.

منابع مالی

وجود ندارد.

تعارض منافع

وجود ندارد.

پی‌نوشت

۱. او قطر این ساختمان را ۱۱/۵۸ متر و عرض هر ضلع آن را ۵/۴۸ متر ذکر می‌کند و به گنبد هلالی آن اشاره می‌کند.
۲. البته ایشان به جز استناد به متون تاریخی (کتب عقد العلی و سمط العلی) دلیل دیگری برای اثبات مدعای خود ارائه نمی‌کند.

مشترک در نمای یک بنای آرامگاهی تکرار شده است. مطالعات اخیر در منطقه کرمان نیز دو بنای خشتی تدفینی هشت‌ضلعی (احتمالاً سلجوقی) در دهستان کشیت و روستای نسک، هر دو در منطقه گلباف کرمان را آشکار نمود (Zarei, Heidari Babakamal & Montazer Zohori, 2015, P. 130). همچنین بنای هشت‌ضلعی معروف به آرامگاه شاه‌فیروز (قرون ۸ و ۹ ق) در نزدیکی سیرجان و نیز مقابر هشت‌ضلعی آجری دوره صفوی، یعنی مقبره آخوند در کوهبنان و نیز میرحیدر در اسفندقه جیرفت از دیگر نشانه‌های تأثیر گنبد جبلیه بر پیدایش و ساخت این‌گونه بناها در قرون بعدی در منطقه کرمان است.

در محدوده فرهنگی ایران بزرگ نیز می‌توان به برج هشت‌ضلعی یوسف ابن کوسیر (۵۵۶ ق/۶۲-۱۱۶۱ م) در منطقه نخجوان و بنای آرامگاه شاهزاده سرباز در بست افغانستان (اواخر قرن ۶ ق/۱۲ م و یا اوایل قرن ۷ ق/۱۳ م) اشاره نمود (Crane, 1979, P. 246). بدین ترتیب مشاهده می‌شود که برپایی گنبد جبلیه به صورت یک بنای منفرد یادمانی، سبب شد که گونه دیگری نیز به شکل «هشت‌ضلعی گنبدار» در معماری ایران پدید آید که الهام‌بخش طراحی سایر نمونه‌های مشابه شود.

نتیجه‌گیری

یکی از گونه‌های محبوب و متداول معماری در دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی هستند که در اشکال و ابعاد متفاوت در سرزمین‌های اسلامی به چشم می‌خورند. از جمله آنها در ایران، بنای معروف به گنبد جبلیه است که به دلایل مختلف از اهمیت تاریخی و فرهنگی خاصی برخوردار است. این اثر احتمالاً قدیمی‌ترین بنای موجود دوره اسلامی شهر کرمان و تنها بنای سنگی در این شهر است. با توجه به بررسی اولاً روشن شد که احتمالاً گنبد جبلیه، از ابتدا قرار

References

- Anisi, A. (2008). Early Islamic Architecture in Iran (637-1059) [Doctoral dissertation, Edinburgh University]. Edinburgh Research Archive. <http://hdl.handle.net/1842/3474>
- Anisi, A., & Vakili, M. (2020). An Historical Experience of Resistance against Earthquake, the Proceedings of 2nd International Symposium on Seismic Rehabilitation for Heritage Structures, Iran, Tehran, 73-35. [in Persian]
- Ayati, A. (1967). Vasaf History. Tehran: Farhang-i Iran Foundation.
- Bastani Parizi, M. (1956). Jabaliya Dome. the Guideline of Historic Monuments of Kirman (pp. 45-48). [in Persian]
- Bastani Parizi, M. (1987). Kirman. M. Y. Kiyani. (Ed.). in the Iranian Cities (2nd Vol., pp. 195-206). Ministry of Culture and Islamic Guidance (Jahadi-Danishgahi,). [in Persian]
- Behishti, S. M., & Qayummi Bidhindi, M. (2010). Dictionary of Iranian Architecture in Persian References Books (2nd Vol). Proper Names, Tehran: Encyclopedia of Iranshahr Architectural History. [in Persian]
- Bier, L. (1986). Sarvistan: A Study in Early Iranian Architecture, College of Art Association. Penn State Press.
- Blair, S. S. (1983). The octagonal pavilion at Natanz: a reexamination of Early Islamic architecture in Iran. *Muqarnas*, 69-94. [DOI:10.2307/1523072]
- Byron, R. (1905-1941). <https://archnet.org/collections/18>
- Crane, H. (1979). Helmand-Sistan Project An Anonymous Tomb in Bust. East and West, 29(1/4), 241-246. [DOI:10.2307/1398562]
- Creswell, K. A. C. (1915). Persian domes before 1400 AD. *The Burlington Magazine for Connoisseurs*, 26(142), 146-155.
- Godar, A. (1988). Iranian Vaults. *Athar-e Iran* (3rd Vol). (A. Sarvqad Moqadam, Trans). Research Foundation of Astan-i Qudsi Razavi. [in Persian]
- Grabar, O. (1966). The Earliest Commemorative Islamic Structures, Notes and Documents. *Ars Orientalis*, 4, 7-46.
- Hillenbrand, R. (1989). Architecture. Ferrier, R.W. (Ed.). in the Arts of Persia, New Haven & London, Yale University Press.
- Hillenbrand, R. (2000). Islamic Architecture Form, Function and Meaning, Edinburgh, Edinburgh University Press.
- Himmat Kirmani, M. (1985). Comprehensive History of Kirman and the Historic Events in the Recent Century (4th Ed.). Himmat Press. [in Persian]
- Iranian Cultural Heritage Organization, Kirman Local Office Archive
- Kervran, M. (1973). Une Forteresse d. Azerbaïdjan: Samīrān, *Revue des Etudes Islamiques* XLI/1, 71-93.
- Kirmani, A. A. (1952). *Almozaf ila Badayeol al-Zaman fi Vaqaye al- Kirman* (A. Iqbal, Ed.). Tehran: Majlis Press. [in Persian]
- Kirmani, A. A. (1977). *Aghdol aali al mughof al aali* (A.M. Ameri Naeini, Ed.). Tehran: Roozbahan Publication. [in Persian]
- Khaji Nizam al-Mulk, A. (1965). *Siyasatnameh* (M. Qazvini, Ed.). Tehran: Zavar Press. [in Persian]
- Khodavirdi Tajabadi, M. (2007). The Political and Social History of Kirman from the Entrance of Islam until the End of the Buyid Period. Kirman: Center of Kirmanology. [in Persian]
- Meshkati, N. (1966). A List of Historical Sites and Ancient Monuments of Iran. Tehran: the National Organization for the Protection of the Historical Monuments. [in Persian]
- Mihraabi-yi Kirmani, S. (1951). *Tazkirat al-Uliya Mihraabi-yi Kirmani or Mazarat-i Kirman*, by effort of H. Tehran: Kuhi-yi Kirmani. [in Persian]
- Mimariyan, G. (2012). Iranian Architecture Technique of Construction, 2nd Vol, Tehran: Naghme Noandish Press. [in Persian]

- Monshi Kirmani, N. (1949). Samto al aala lel hazratol oliya in historic of Ghara khatiyān Kirman (A. Iqbal, Ed.). Tehran: The Joint-Stock Company's Publication. [in Persian]
- Monshi Kirmani, K. (2012). Geography of Kirman Province in the Nasiri Period (M. Nikpour, Ed.). Kiramn, Kirmanology Center. [in Persian]
- Mosavi, S. A. (1976). Jabaliya Dome. *Honar va Mardom*, 167, 74-77. [in Persian]
- Mosavi Rozaei, M. D. (2010). Ganjvameh Cyclopedia of Iranian Islamic Architecture Vol. 13 Imamzadehs and Mausoleums, Part III, Tehran: Shahid Behishti University. [in Persian]
- O'kane, B., & Abdullah, T. (1997). The Gunbad-I Jabaliyya at Kirman and the Development of the Domed Octagonal in Iran. *The Arab and Islamic Studies in Honour of Marsden Jones*, 1-12.
- Parsay-i Quds, A. (1977). Three Commemorative Stone Structures from the Saljuq Period. *Honar va Mardom*, 184 & 185, 37-53. [in Persian]
- Pope, A. U. (1965). *Persian architecture*. London, UK: Thames and Hudson Press.
- Schroeder, E., (1981). *Islamic Architecture F. Seljūq Period*. A.U. Pope & Ph. Ackerman (Eds.), in *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present* (3rd Vol., pp. 981-1045). Oxford 1938-39.
- Sykes, P. M. (1902). *Ten thousand miles in Persia: Or, eight years in Iran*. London: J. Murray.
- Varjavand, P. (1995). *The Land of Qazvin*, 2nd ed. Tehran: Rastiyno Press. [in Persian]
- Vaziri, A. (1996). *History of Kirman* (M.E. Bastani Parizi, Ed.). 2nd vol, Tehran: Elmi Press. [in Persian]
- Wilber, D. N., (1955). *The Architecture of Islamic Iran*. New York: Greenwood Press, Publishers.
- Zarei, M. E., Heidari Babakamal, Y., & Montazer Zohori, M. (2015). A Research on Two Octagonal Domed Tombs of Keshit and Nask in Golbaf, Kerman. *Journal of Research in Islamic Architecture*, 3(3), 121-132. [in Persian].